

بازنمایی رسانه‌های همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه در روزنامه‌های

اصلاح‌طلب: مطالعه موردی روزنامه «شرق»*

محمدحسین جمشیدی^۱، منیره نوریان^۲

چکیده

سوریه از ژانویه ۲۰۱۱ درگیر جنگ با اعضا و حامیان تروریسم تکفیری شد. نحوه پرداخت رسانه‌ای به همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، حائز اهمیت ویژه برای مخاطبان و کنشگران مدنی و غیرمدنی در ایران و خارج از ایران است. بر این اساس، این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که روزنامه شرق به‌عنوان یک رسانه اصلاح‌طلب چگونه به بازنمایی همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه می‌پردازد؟ روش به‌کار گرفته شده در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی است و انتخاب داده‌ها به‌شیوه هدفمند انجام گرفته است. بر این اساس ۲۲ داده شامل ۱۰ متن مصاحبه، ۹ تحلیل و ۳ گزارش منتشر شده در روزنامه شرق در رابطه با همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، در بازه زمانی ۲۰۱۹-۲۰۱۵ انتخاب شد. سپس جملات کلیدی این ۲۲ داده در قالب ۱۵ مقوله نهایی دسته‌بندی شدند که ۱۰ مقوله نشانگر دید منفی و ۵ مقوله نشانگر دید محتاطانه روزنامه شرق به همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه است. نتیجه مقاله حاکی از آن است که روزنامه شرق بر اعتماد نکردن به روسیه تأکید می‌کند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت که این رسانه نوشتاری تحت تأثیر گرایش اصلاح‌طلبی، نگاهی مثبت به همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه ندارد و این موضوع را به حافله تلخ تاریخی ایران از روسیه ارتباط می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: بحران سوریه، ایران، روسیه، روزنامه شرق، جریان اصلاح‌طلب، بازنمایی رسانه‌ای.

*. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازنمایی رسانه‌ای همکاری جمهوری اسلامی ایران و روسیه در بحران سوریه» به نگارش نویسنده دوم و راهنمایی نویسنده اول است که در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۲

۱. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

jamshidi@modares.ac.ir

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

monireh_nooriyan@yahoo.com

۱. مقدمه

بحران سوریه در ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد. بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده و بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله روسیه درگیر این بحران شدند. ایران و روسیه به‌عنوان بازیگران اصلی جنگ داخلی سوریه در جهت حفظ نظام سیاسی سوریه و حمایت از بشار اسد و منافع مشترک ناشی از اهمیت ویژه سوریه برای دو کشور، با یکدیگر به همکاری پرداختند و در واقع ائتلاف نانوشته‌ای را تشکیل داده‌اند. همکاری ایران و روسیه در سوریه باعث جهت‌گیری‌های مخالف و موافق این همکاری در داخل ایران شده است و در مورد چرایی و چگونگی این همکاری در سطوح مختلف نظام قدرت و جناح‌های سیاسی مختلف ایران اتفاق نظر وجود ندارد. با توجه به اهمیت و نقش روزافزون رسانه‌ها به‌لحاظ تاثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی و خارجی و کارکرد آن‌ها برای نهادهای تصمیم‌گیرنده، بررسی نحوه مواجهه رسانه‌ها با بحران سوریه حائز اهمیت است.

در جهان امروز، وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند؛ ما بسیاری از اطلاعاتمان درباره جهان پیرامون را از رسانه‌ها و سایت‌های خبری کسب می‌کنیم. همان‌گونه که رسانه‌ها در شکل‌دهی به افکار عمومی نقش موثری را ایفا می‌کنند، در پیشبرد سیاست خارجی کشورها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای برعهده دارند. رسانه‌ها هم می‌توانند ایجادکننده و هم شکننده سیاست خارجی باشند و یا به‌نقل از هنری کسینجر^۱، سیاستمدار آمریکایی، اگر رسانه‌ها سیاست را به‌پیش ببرند باید این حقیقت را پذیرفت که آن‌ها این توانایی را نیز دارند که آن را با مشکل زیاد مواجه سازند (نوری‌راد و حکیمی، ۱۳۹۷: ۱۷۷). زمانی که از کارگزاران سیاست خارجی درباره تأثیر رسانه‌ها پرسیده می‌شود آن‌ها به‌طور مکرر بر نقش‌های پیش‌برنده یا متوقف‌کننده رسانه‌ها تأکید می‌کنند. امروزه رسانه‌ها به‌طور فزاینده‌ای سیاست خارجی را در درون یک حکومت به‌حرکت در می‌آورند و یا از آن جلوگیری می‌کنند. مانوئل کاستلز^۲ نظریه‌پرداز قدرت و ارتباطات می‌گوید: «سیاست رسانه‌ای، تمام دنیای سیاست نیست؛ اما امروزه تمام سیاست‌ها باید از طریق رسانه‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری اثر بگذارند؛ بدین ترتیب منطق درونی نظام رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های نوین الکترونیکی، چارچوب اساسی

1. Henry Kissinger

2. Manuel Castells



محتوا، سازمان و فرآیند راهبردی دنیای سیاست امروز را تشکیل می‌دهد» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۶). رسانه‌ها با پوشش گسترده حوادث و رویدادهای جهانی، افکار عمومی مردم جهان را شکل می‌دهند. اطلاع‌رسانی، ضمن آنکه ارائه اطلاعات بر اساس دیدگاه و منافع صاحبان رسانه است، در متن خود، تبلیغات و نیت خاص مالکان رسانه‌ای و حکومت‌های سیاسی را نیز نهفته دارد. با توجه به نقش رسانه‌ها در حوزه سیاست خارجی این مقاله به دنبال بررسی رویکرد مهمترین رسانه جریان اصلاح‌طلب یعنی شرق در بازنمایی همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه است. همانطور که در اهداف و علل تأسیس روزنامه شرق آمده است، این روزنامه بر اساس خط‌مشی و جهت‌گیری فکری و سیاسی جریان اصلاح‌طلب در ایران تأسیس شده است (وبگاه روزنامه شرق، ۱۳۹۹). در این مقاله پژوهشی، این رسانه به دلیل پوشش خبری متمرکزتر موضوع همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، به‌عنوان نماینده جریان اصلاح‌طلبی انتخاب شده است.

با این مقدمه، مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی است که روزنامه شرق، به‌عنوان رسانه اصلی جریان اصلاح‌طلب، چگونه به بازنمایی همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه می‌پردازد؟ برای پاسخ به سوال اصلی، نوشتار حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی به تحلیل اخبار و گزارش‌های منتخب از روزنامه شرق در بازه زمانی (۲۰۱۹-۲۰۱۵) می‌پردازد و موضع‌گیری و بازنمایی و تصویرسازی رسانه‌ای این جریان در جامعه ایران را درباره همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه بررسی می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه پژوهش‌هایی به زبان انگلیسی و فارسی نگاشته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. «بازنمایی بحران سوریه توسط همشهری آنلاین طی دو دوره ۶ ماهه از آغاز بحران در سال ۱۳۹۰» عنوان پایان‌نامه‌ای است که به قلم زهره‌وند (۱۳۹۰) به رشته تحریر درآمده است. این پژوهش به تحلیل محتوای چگونگی ارائه و انعکاس اخبار مربوط به بحران سوریه طی دو نیمه اول و دوم سال ۲۰۱۱ در سایت همشهری آنلاین می‌پردازد. این پژوهش به دنبال دستیابی به پاسخ این سؤال بوده است که آیا تفاوتی در

بازنمایی بحران سوریه در این دو دوره وجود داشته است؟ پژوهش در نهایت این فرضیه را به تأیید رسانده است که دیدگاه همشهری آنلاین در طول این دو دوره درباره بحران سوریه تغییر کرده است. این پژوهش تنها به لحاظ روشی با نوشتار پیش‌رو همخوانی دارد. بشیر و کرم‌فر (۱۳۹۳) مقاله‌ای تحت عنوان «بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه در وب سایت‌های بی.بی.سی. عربی، العربیه و العالم» نوشته‌اند. پژوهشگران در این مقاله با هدف شناخت بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه، تعداد ۹۵ یادداشت تحلیلی از سه وب سایت العربیه، بی.بی.سی عربی و العالم را در بازه زمانی شش ماه (اول اکتبر ۲۰۱۱ تا اول آوریل ۲۰۱۲)، با استفاده از روش تحلیل گفتمان بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هر کدام از این سه رسانه، بر مبنای رویکرد سیاسی و اهداف استراتژیک خود به بازنمایی حوادث رخ داده در سوریه اقدام کرده‌اند.

صادقی و مرادی (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، به بررسی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه پرداخته و تأکید کرده‌اند که علی‌رغم اشتراکاتی که میان مسکو و تهران در رفع این بحران وجود دارد، افتراقات عمده‌ای نیز در میان آن‌ها قابل رؤیت است. عزیزی و نجفی (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه» ضمن بررسی اهداف و منافع مسکو و تهران در بحران سوریه، اختلافات و اشتراکات منافع و اهداف آن‌ها در این موضوع را بررسی کرده‌اند. آن‌ها معتقدند اگرچه اهداف کوتاه‌مدت تضمین کننده بقای شراکت میان این دو کشور در مدت زمانی کوتاه است، اما در بلندمدت می‌توان انتظار بروز اختلافات اساسی میان آن‌ها را داشت. گرانمایه^۱ و لیک^۲ (۲۰۱۶)، از اعضای شورای روابط خارجی اتحادیه اروپا، در کتابی با نام «زوج قدرت جدید: روسیه و ایران در خاورمیانه (غرب آسیا)»، همکاری میان تهران و مسکو در بحران سوریه را نقطه عطفی برای همکاری‌های بلندمدت آن‌ها در غرب آسیا قلمداد کرده‌اند که می‌تواند تأثیرات مستقیمی برای امنیت اروپا به همراه داشته باشد.

کازانف^۳ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «ازدواج مصلحتی؛ چشم‌انداز همکاری منطقه‌ای ایران و روسیه در سوریه» استدلال می‌کند، عامل مهمی که ایران و روسیه را در سوریه به

1. Geranmayeh

2. Liik

3. Kozhanov



یکدیگر نزدیک کرده است، عمل‌گرایی فوق‌العاده رهبران دو کشور است. به همین دلیل، می‌توان گفت اتحادی میان آن‌ها در کار نیست و تعامل آنان حالت موقتی و محدود دارد. کاژائف در این مقاله بیش از حد به افتراقات دو بازیگر توجه کرده و تمرکز چندانی روی حوزه‌هایی که آن‌ها می‌توانند برای تقویت روابط خود از آن بهره‌برداری کنند، نکرده است. برشچوسکی^۱ (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به نام «اهداف روسیه فراتر از دمشق» که در اندیشکده واشنگتن منتشر شده، بیان می‌کند که همکاری میان تهران - مسکو پیچیدگی‌هایی در سیاست ایالات‌متحده در غرب آسیا به‌وجود آورده است. به عقیده وی، ضدیت با غرب باعث شده تا ایران و روسیه اختلافات خود را کنار بگذارند و با هم‌گرایی بیش‌تر پیش بروند. برشچوسکی از زاویه مقابله ایران و روسیه با ایالات‌متحده در سوریه، به‌روابط آن‌ها در بحران سوریه پرداخته است. در نقد این مقاله، باید گفت تقلیل دادن همکاری و شراکت ایران و روسیه در سوریه به‌ضدیت آن‌ها با غرب و مشخصاً آمریکا، نمی‌تواند تبیین‌کننده واقعیت‌های همکاری و رقابت میان آن‌ها باشد.

از بررسی پیشینه پژوهش متوجه می‌شویم که در این آثار، غالباً به بررسی همکاری فعلی، گذشته و آینده این دو کشور پرداخته شده است. اما از جمله موضوعاتی که چه در حوزه داخلی و چه خارجی به آن پرداخته نشده است، بحث بازنمایی رسانه‌ای همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه در رسانه‌های اصلاح‌طلب است. بر این اساس نوآوری مقاله حاضر در آن است که به تحلیل و واکاوی چگونگی بازنمایی نگرش رسانه جریان اصلاح‌طلب در خصوص همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه در بازه زمانی (۲۰۱۵-۲۰۱۹) می‌پردازد.

۳. مفاهیم کلیدی

۳-۱. بازنمایی رسانه‌ای

پیتر دالگران^۲ در کتاب «تلویزیون و گستره عمومی تلویزیون و گستره عمومی جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی» درباره «بازنمایی» می‌گوید: «بعد بازنمایی، توجه ما را به تولیدات رسانه‌ای جلب می‌کند. این بعد شامل این زمینه‌ها می‌شود: «مطالبی که رسانه‌ها عرضه می‌کنند، نحوه انعکاس موضوعات، انواع گفتمان‌های مطرح و ماهیت مباحث و مناظرات ارائه شده». بازنمایی

1. Broshchevskaya

2. Peter Dahlgren

به ابعاد اطلاعاتی تولیدات رسانه‌ای، از جمله ابعاد نمادین و بدیع آن آثار اشاره می‌کند. بازنمایی در گستره عمومی به پرسش‌هایی اساسی نظیر اینکه «چه مطلبی» باید برای انعکاس انتخاب شود و «چگونه» به مخاطبان عرضه شود اشاره دارد، لذا مشاهده می‌شود که بازنمایی متمایز از انعکاس محض واقعیات و رخدادهاست، یعنی در بازنمایی وقایع و رخدادها از حالت اصلی خود خارج می‌شوند، حال هر چقدر که رسانه‌ها و خبرنگاران معتقد به عینیت‌گرایی در انعکاس خبرها باشند، بازنمایی انجام شده به واقعیت نزدیک‌تر است و هر مقدار که رسانه‌ها از عینیت‌گرایی دور باشند، بازنمایی‌های آن‌ها نیز دور از واقع خواهد بود» (سلطانی‌فر و هاشمی، ۱۳۸۲: ۳۰). بازنمایی وامدار آثار استوارت هال^۱ است. از دید او، ما جهان را از طریق بازنمایی، بازسازی می‌کنیم. وی رسانه‌ها را بخشی از سیاست معناسازی تعریف کرده و بر این باور است که رسانه‌ها به رویدادهای واقع در جهان، معنا می‌دهند. هال بیان می‌دارد که رسانه‌ها واقعیت را تعریف می‌کنند و به جای آن که صرفاً به انتقال معناهای موجود بپردازند، از خلال گزینش و عرضه و سپس بازتولید و صورت‌بندی مجدد آن رویداد، برای آن‌ها معنا می‌آفرینند. از آنجا که هر واقعیتی از معانی مختلفی برخوردار است، رسانه‌ها با تکیه بر قدرتی که دارند، تصمیم می‌گیرند که به هر رویدادی چه معنایی ببخشند (ساعی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۱۹).

۲-۳. مشارکت راهبردی^۲

مشارکت راهبردی به‌رغم تکثر در تعاریف و کارکردها، اصول و مؤلفه‌های حداقلی و حداکثری دارد که آن را از دیگر الگوهای همکاری بین دو موجودیت سیاسی متمایز می‌کند. به عقیده مانسینگ^۳، مشارکت راهبردی زمانی به‌وجود می‌آید که دو دولت برای ارتقای مناسبات پایدار خود به بالاترین سطح ممکن، و به‌منظور مقابله با گونه‌های متنوعی از مسائل، که در جستجوی مفاهمه و همکاری موجب ظهور فضایی صمیمی و جامع‌نگرانه از نگرانی مشترک آنها شده است، تعهدات بلند مدتی برای منافع مشترک و پیشبرد اهداف خود ایجاد می‌کنند، اما وارد اتحاد با یکدیگر نمی‌شوند (Mansingh, 2005).

1. Stuart Hall
2. Strategic Partnership
3. Mansingh



قبل از اعلام یک همکاری استراتژیک لازم است محتوای واقعی تحول اجتماعی و همچنین توانایی‌های کشور شریک را تجزیه و تحلیل و مقایسه کنیم. همچنین شناسایی نقاط و خطوط برای همگرایی و احتمالاً همپوشانی و همچنین تفاوت‌ها و تناقضاتی که در جریان تعاملات سیاسی و اقتصادی نیاز به توجه دارند. در سیاست یا حتی جنگ، کشورها ممکن است برخی اوقات به دنبال اهداف خاص به‌عنوان همکار باشند، با این حال این بدان معنا نیست که آن‌ها شرکای استراتژیک هستند (Sazhin, 2018).

۴. چارچوب نظری: بازنمایی رسانه‌ای

بازنمایی، بیانگر چگونگی انعکاس واقعیت‌ها برای مخاطب است. بنابراین واقعیت با این انعکاس به‌نوعی با مواضع رسانه‌ها ترکیب یافته و تصویر خاصی به‌خود می‌گیرد. کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها عبارت است از بازنمایی واقعیت‌های جهان خارج برای مخاطبان. اغلب دانش و شناخت ما از جهان به‌وسیله رسانه‌ها ایجاد می‌شود و درک ما از واقعیت به‌واسطه و با میانجیگری روزنامه‌ها، تلویزیون، تبلیغات و فیلم‌های سینمایی و ... شکل می‌گیرد. رسانه‌ها جهان را برای ما به تصویر می‌کشند. رسانه‌ها این هدف را با انتخاب و تفسیر خود در کسوت دروازه‌بانی و به‌وسیله عواملی انجام می‌دهند که از ایدئولوژی اشباع هستند. به‌عنوان مثال آنچه ما به‌مثابه یک مخاطب از آفریقا و آفریقایی‌ها، صرب‌ها و آلبانیایی‌تبارها، اعراب و مسلمانان و غیره می‌دانیم، ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که به‌واسطه رسانه‌ها به ما ارائه شده است. در نتیجه، این کارکرد رسانه‌ها بیانگر این است که از آنجایی که نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های آن به تصویر کشید، رسانه‌ها، ارزش‌های خبری، پروپاگاندا، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا تحمیل معنا در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های فنی و محتوایی را ارائه می‌دهند. بر این اساس بازنمایی، عنصری محوری در ارائه تعریف از واقعیت است (Hill and Watson, 2006: 248).

از نظر ریچارد دایر^۱ مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند. تجلی بازنمایی‌ها ممکن است به‌صورت گفتاری، نوشتاری یا

1. Richard dayer

تصاویر متحرک باشد». هرچند بازنمایی در نگاه واقع‌گرایی، متشکل از تصاویر با صدای حوادث است، ولی عمل بازنمایی رسانه‌ای، به شکل کامل و مطلق، جهان را نمایش نمی‌دهد.

بر اساس رویکرد استوارت هال، سه رهیافت و نظریه اصلی در بازنمایی رسانه‌ای وجود دارد:

۱. نظریه بازتابی^۱: رویکرد بازتابی بر این باور است که کارکرد زبان مانند یک آئینه، بازتاب معنای صحیح و دقیقاً منطبق با جهان است. در این دیدگاه، رسانه‌ها، واقعیت را آن گونه که هست، نمایش می‌دهند و همچون آئینه عمل می‌کنند.

۲. نظریه تعمدی^۲: در این رویکرد، «کلمات»، معنایی را که واقعاً مؤلف قصد انتقال آن را دارد، با خود حمل می‌کنند. در این نگرش، رسانه خود دارای مقصود و هدف مشخصی است که آن را بر واقعیت بار می‌کند. بنابراین واقعیت را بازتاب نمی‌دهد، بلکه آن را مطابق با هدف و مقصود موردنظر خود تفسیر می‌کند.

۳. نظریه برساختی^۳: بر اساس این رویکرد، ما معانی را می‌سازیم و این عمل را به‌واسطه نظام‌های بازنمایی مفاهیم و نشانه‌ها انجام می‌دهیم (Hall, 1997: 24-25). این دیدگاه در واقع ترکیبی از دو نگرش بالا است. یعنی رسانه‌ها با مقاصد خود، واقعیت را در هم آمیخته و حاصل را به‌صورت معنایی خاص و نمادین عرضه می‌کنند. لذا آنچه را نمایش می‌دهند تنها بخشی از واقعیت و نه تمام آن است و آنچه را که عرضه می‌کنند، هدف و دیدگاه خودشان نیز است، اما مرتبط با واقع و نه مبتنی بر آن است. هال با پذیرش رویکرد سوم، یعنی رویکرد برساخت‌گرایانه بازنمایی، این بحث را مطرح می‌کند که «رسانه‌ها واقعیت را بازتاب نمی‌دهند بلکه آن را به‌صورت رمز و نشانه در می‌آورند و به‌صورت نمادین و نه مبتنی بر واقعیت انعکاس می‌دهند» (Hall, 1997: 72).

محتوای رسانه‌های همواره دارای ساختار هستند و هرگز پنجره‌های شفاف و روشن نیستند. بازنمایی از ساختار واژه و لغت فراتر می‌رود و این سؤال را پیش می‌کشد که چگونه گروه‌ها و (هر چیز ممکن) که در رسانه وجود خارجی پیدا می‌کند) به‌وسیله محصولات رسانه‌ای بازنمایی شده‌اند؟ این مسئله به چگونگی رسانه‌ها و نقش‌های مختلف مربوط می‌شود و درعین حال معانی یا اثرات ضمنی سیاسی وسیعی را با خود به همراه دارد. بازنمایی، نوعی عمل

-
1. The reflective Theories
 2. The Intentional Theories
 3. The Constructive Theories



دلالت‌گر است که منعکس‌کننده واقعیت بیرونی است؛ در واقع، بازنمایی نوعی تصویر دستکاری شده از واقعیت بیرونی است. همه امور جهان، کپی واقعیت هستند و در این میان هنر، کپی از کپی واقعیت است؛ هنر، بازنمایی از بازنمایی است. زبان، ابزار بازنمایی واقعیت است، تجلی‌های زبانی به صورت صدا، تصویر و غیره است که واقعیت را منعکس می‌کند. در این میان، رسانه‌ها زبان ارائه بازنمایی از واقعیت را دارد و از خصیصه چند زبانی برخوردار هستند. بازنمایی به‌سادگی به موفقیت منتهی نمی‌شود و متضمن فرآیندی پیچیده و پویا است (Stafford and Branston, 2003 و هیوارد، ۱۳۸۱). بر اساس رویکرد استوارت هال که سه رهیافت متفاوت از بازنمایی را ارائه کرده است در این پژوهش از رویکرد تعددی بازنمایی استفاده شده است. در واقع بر طبق این رویکرد، رسانه‌ها واقعیت را نشان نمی‌دهند بلکه واقعیت را با اهداف شخصی خود در هم می‌آمیزند. هر رسانه دارای هدف و قصد و نیت شخصی است و بر اساس اهداف و اغراض خود موضوعات را بازنمایی می‌کند. در واقع از رسانه به‌عنوان ابزاری در جهت القا و بازنمایی اهداف خود بهره‌برداری می‌کنند. طبق این دیدگاه هر جریان فکری دارای رسانه مختص به خود است.

۵. روش پژوهش

با توجه به هدف مقاله، روش به‌کار رفته، تحلیل محتوای کیفی است. این روش، برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده است (Hsieh and Shannon, 2005). روش تحلیل محتوا بر این فرض بنا شده است که با تحلیل پیام‌های زبانی می‌توان به کشف معانی، اولویت‌ها، نگرش‌ها، شیوه‌های درک و سازمان‌یافتگی جهان دست یافت (Wilkinson and Brimingham, 2003: 68). این روش که به‌عنوان یک تفسیر، بین دو قطب عینی و ذهنی قرار می‌گیرد، پژوهشگر را به سمت عناصر پنهانی موضوع هدایت می‌کند (Bardin, 1997: 9). تحلیل محتوای کیفی به پژوهشگر اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کند. عینیت نتایج به‌وسیله وجود یک فرایند کدبندی و نظام‌مند تضمین می‌شود. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از واژه‌ها یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگویی را که آشکار یا پنهان هستند، به‌صورت محتوای آشکار می‌آزماید (Zhang, 2006). بنابراین، یکی از موضوع‌های قابل توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم‌گیری درباره

این است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار (kondracki and Wellman, 2002: 224-230)، زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوطاند، ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوتند (Cavanagh, 1997: 5-16). همین عامل باعث شده است که پژوهشگران، تحلیل محتوای کیفی را به منزله روشی انعطاف‌پذیر، به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند (Graneheim and Lundman, 2004: 105-112).

در این شیوه پژوهش‌گر نمونه را مبتنی بر آن کسانی انتخاب می‌کند که فکر می‌کند برای مطالعه مورد نظر مناسب‌اند (میرزایی، ۱۳۹۴: ۱۸۰). مراحل تحلیل محتوای کیفی عبارت است از تعیین جامعه مورد مطالعه و نمونه و سپس کدگذاری متون. برای کدگذاری باید واحد تحلیل انتخاب شود. واحد تحلیل می‌تواند «واژه، حرف، تم، بازه زمانی و حتی تعاملات موجود در پیام یا هر بخش نوشتاری یا گفتاری آن مانند بند، جمله یا کل خبر» باشد (Neuendorf, 2002: 71). در این مقاله، واحد تحلیل جمله و واحد ثبت، کلمه است. داده‌ها و جامعه مورد مطالعه این پژوهش، مطالبی است که درباره همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ توسط روزنامه شرق منتشر شده است. با توجه به اهداف پژوهش، نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند (قضاوتی) انجام گرفته است و در نهایت دلیل انتخاب روزنامه شرق از میان رسانه‌های نوشتاری وابسته به جریان اصلاح‌طلب، تحلیل‌ها و مصاحبه‌های نسبتاً بیشتر و گسترده‌تر در آن پیرامون موضوع پژوهش است. روزنامه‌ها سعی می‌کنند به‌نحوی عناوین خبری خود را جهت دهند و آن را ترغیب‌کننده سازند تا مخاطب را از نظر ذهنی هدایت کند. این مسائل به خودی خود در عناوین روزنامه‌ها دیده نمی‌شوند، ولی با استفاده از رویکرد تحلیل محتوا قابل استنباط هستند.

تعداد داده‌های انتخاب شده از روزنامه شرق درخصوص همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه شامل ۲۲ داده می‌شود. از این تعداد ۱۰ متن مصاحبه، ۹ تحلیل و ۳ گزارش استخراج و تعداد ۴۶ جمله کلیدی انتخاب شدند. شیوه کدگذاری به این صورت است که هر جمله کلیدی که انتخاب می‌شود، معناها و برداشت‌های پنهان و آشکار آن به‌عنوان کد یا کلیدواژه در نظر گرفته می‌شوند. برای پایایی این پژوهش از توافق بین دوکدگذار استفاده شده است. آزمون پایایی در روش تحلیل محتوا معمولاً با این هدف انجام می‌شود تا از رسیدن به نتایج یکسان در صورت تکرار این پژوهش در آینده اطمینان حاصل شود (Neuendorf, 2002: 112). در

تحلیل محتوا از این آزمون برای اندازه‌گیری میزان توافق میان دو کدگذار، استفاده می‌شود. برای محاسبه، پایایی داده‌ها توسط دو پژوهشگر کدگذاری شد. مقایسه نتایج این دو کدگذاری، نشانگر اتفاق نظر بین محققین است.

۶. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش از مقاله، تمامی داده‌های جمع‌آوری شده روزنامه شرق در موضوع همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه در قالب ۵۷ کلیدواژه یا کدهای کیفی و تعداد ۲۳ زیرمقوله و ۱۵ مقوله تحلیل و دسته‌بندی شد. پایه‌ای‌ترین شکل تحلیل محتوا، شمارش واژه‌ها و عبارات کلیدی است. به واسطه این واژه‌ها و عبارات کلیدی، کدهای کیفی به شرحی که در ادامه می‌آید، استخراج شد، و سپس کدهای کیفی بر اساس شباهت‌های معنایی ذیل زیرمقولات و سپس یک مقوله واحد قرار داده شدند.

جدول ۱. کلیدواژه‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کلیدواژه‌ها/ کدهای کیفی استخراج شده
اصل احتیاط	حساسیت بیشتر ←	تأمل بیشتر در مورد اقدامات روسیه پیچیدگی مواضع روسیه حساسیت بیشتر ایران
	غفلت ایران ←	غفلت و سهل‌انگاری ایران
	احتیاط ←	حساسیت و احتیاط در روابط با روسیه جانب احتیاط را داشتن
اصل تردید	تردید در تداوم همکاری ←	امکان یا عدم امکان استمرار همکاری
اصل رقابت‌طلبی و توازن قدرت	ترس روسیه از قدرتمند شدن ایران ←	اشغال ایران توسط روسیه در گذشته تقابل و جنگ حافظه تلخ تاریخی ایران
	کسب منافع بیشتر ←	خودبرتربینی روس‌ها سهم‌خواهی زیاد روسیه نفع بیشتر روس‌ها از همکاری رفتار با ایران در سایه اولویت منافع مسکو در عرصه بین‌المللی

ادامه جدول ۱. کلیدواژه‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کلیدواژه‌ها/ کدهای کیفی استخراج شده
اصل رقابت‌طلبی و توازن قدرت	خودبرتری‌بینی روسیه	← مدیریت بحران سوریه توسط روسیه حضور روسیه، جایگزین ایران در سوریه حضور و نقش ایران در سوریه تحت سایه روسیه
اصل اولویت منافع روسیه	نگاه ابزاری روسیه به روابط با ایران	← امتیازگیری از روابط با ایران بازی کردن با ایران استفاده از ایران
	منافع بیشتر	← رابطه با ایران در راستای تأمین منافع استفاده از امتیازهای مختلف برای حل مسئله با غرب
اصل منفعت‌طلبی روسیه	رفتاردر چارچوب منافع	← منفعت‌طلبی روس‌ها اهمیت منافع روسیه
	منافع بیشتر و یک طرفه روسیه	← دنبال کردن منافع خود دنبال کردن دیپلماسی خود
همکاری بدون پشتوانه	عدم انعقاد قرارداد استراتژیک بین ایران و روسیه	← روابط غیرراهبردی همکاری بدون پیمان راهبردی عدم قرارداد راهبردی
اصل همکاری در راستای منافع استراتژیک	انحداد راهبردی	← منافع راهبردی ایران متحد راهبردی بودن

ادامه جدول ۱. کلیدواژه‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کلیدواژه‌ها/ کدهای کیفی استخراج شده
اصل عدم اعتماد به روسیه و سیاست‌های آن	بی‌ثباتی در مواضع روسیه	همانگی روسیه با امریکا تمایل روسیه به رژیم اسرائیل اغفال روسیه و پشت کردن به ایران
	جایگاه فرعی ایران در روابط با مسکو	تحت‌الشعاع بودن روابط مسکو و تهران نگرانی ایران از همکاری روسیه با امریکا
	بدبینی درباره روسیه و اقدامات آن	بی‌معرفتی روس‌ها تردید در همکاری با مسکو قهرمان و پیروز اعلام کردن روسیه در صحنه سوریه بدون نام ایران عدم شفافیت روسیه در رابطه با ایران ائتلاف آمریکا و اروپا و رژیم صهیونیستی و روسیه برای خروج ایران از سوریه
اصل تعارض منافع بین ایران و روسیه	تعارض در اهداف و منافع	نگاه ایدئولوژیک ایران و نگاه منفعت‌گرایانه روسیه منافع و اهداف متفاوت ایران و روسیه اشتراک و اختلاف نظر با روسیه
همکاری در چارچوب قانون اساسی	محدود کردن همکاری	همکاری با روسیه در چارچوب قانون اساسی
خوش‌بینی ایران درباره روسیه	تمایل به همکاری	تمایل به همکاری با روسیه اعتماد به سیاست‌های مشترک با روسیه مؤثر بودن روسیه در کسب پیروزی روشن بودن آینده روابط ایران و روسیه

ادامه جدول ۱. کلیدواژه‌ها، زیرمقوله‌ها و مقوله‌ها

مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کلیدواژه‌ها/ کدهای کیفی استخراج شده
اصل مقاصد مشترک	اشتراکات دو طرف	داشتن اشتراکات در منطقه دشمن مشترک و منفعت مشترک مقاصد مشترک
اصل همکاری در جهت ثبات منطقه‌ای و مقابله با تروریسم	همکاری	تلاش برای صلح و ثبات در منطقه ریشه‌کن شدن تروریسم
اصل واقع‌گرایی ایران	نگاه واقع‌گرایانه	نگاه واقع‌گرایانه ایران به روسیه
اصل عدم توازن قدرت	نابرابری ایران و روسیه در سوریه	مذاکره با آمریکا بدون نظر تهران برای چینش صحنه سیاسی سوریه چانه‌زنی روس‌ها درباره حضور ایران در سوریه

با توجه به یافته‌های به‌دست آمده از روش تحلیل محتوای کیفی، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه در روزنامه اصلاح‌طلب شرق، به‌صورت مثبت بازنمایی نشده است. از بین ۱۵ مقوله تنظیم شده، ۱۰ مقوله، نگاه منفی را در خصوص این همکاری بازنمایی می‌کنند و سایر مقولات نیز صرفاً همکاری را به‌جهت اهمیت منافع استراتژیک ایران و مبارزه با تروریسم به‌عنوان عامل تهدیدکننده دو کشور تجویز می‌نمایند. در واقع ۵ مقوله دیگر نیز، به‌نوعی القاکننده دیدگاه نه‌چندان مثبت روزنامه شرق در خصوص این همکاری است که از آن می‌توان به‌عنوان رویکرد محتاطانه (خنثی و یا متمایل به مثبت) یاد کرد.

۷. نتیجه‌گیری

در خصوص همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه نظرهای مختلفی در سطح جامعه مدنی، دانشگاهی و سیاسی مطرح بوده است و هر یک از جریان‌های اصلی سیاسی کشور درباره این موضوع به موضع‌گیری پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند که با رسانه‌های خود، موضع خویش را



بازنمایی کنند. یکی از این جریان‌ات، جریان موسوم به اصلاح‌طلبی است که روزنامه شرق از رسانه‌های نوشتاری مهم آن محسوب می‌شود. از این رو، این نوشتار به تبیین و تحلیل چگونگی بازنمایی روزنامه شرق از همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، با روش تحلیل محتوای کیفی پرداخت. با توجه به مقولات به‌دست آمده از تحلیل مطالب منتخب روزنامه شرق، می‌توان نگاه این رسانه و همچنین تا حدودی رویکرد جریان اصلاح‌طلبی را در مورد این همکاری ترسیم کرد. این روزنامه در خصوص بازنمایی همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه دارای نگاه منفی (۱۰ مقوله از ۱۵ مقوله) و محتاطانه (۵ مقوله از ۱۵ مقوله) است. به لحاظ کمی، دوسوم مطالب روزنامه شرق و مقولات مستخرج از آن (تقریباً ۶۷ درصد) نشانگر نگاه منفی و یک سوم (تقریباً ۳۳ درصد) نشانگر نگاه محتاطانه است. البته در سه مقوله، همکاری برای اهمیت منافع مشترک دو کشور دارای تأثیر مثبت ارزیابی شده است. هرچند کماکان نگاه مراقبتی و محتاطانه در آنها نمود دارد.

مطابق با تحلیل‌های انجام گرفته، رسانه شرق در بازنمایی همکاری ایران و روسیه از لفظ «راهبردی» استفاده نمی‌کند. در مقام تحلیل می‌توان اینگونه بیان کرد که روزنامه شرق ماهیت همکاری ایران و روسیه در حل بحران سوریه را غیرراهبردی می‌داند. در واقع به عقیده این رسانه، از نگاه روس‌ها یک ائتلاف موقت در راستای تامین بخشی از اهداف مشترک دو کشور در سوریه شکل گرفته است و این ائتلاف، تضمین‌کننده روابط عمیق و راهبردی دو کشور در بلندمدت نخواهد بود. یافته‌های پژوهش بر این گزاره صحت می‌گذارد که روزنامه شرق تا حد زیادی تلاش کرده است تا حافظه تلخ تاریخی ملت ایران از روسیه و عدم اعتماد به روسیه در برخی از شرایط دشوار بین‌المللی را به اذهان عمومی یادآوری نماید و از آنها به‌عنوان دستاویزی برای مثبت و پایدار نبودن این همکاری استفاده کند. بیشترین واژه تکرار شده در تمامی اخبار منتشر شده از سوی روزنامه شرق به‌صورت آشکار و پنهان بر عدم اعتماد به روسیه تأکید می‌کنند.

این موضع بیانگر این است که جریان اصلاح‌طلب جهت‌گیری سیاست خارجی ایران را در رابطه با شرق چندان موجه نمی‌داند و لذا می‌توان استنباط کرد که آن‌ها علیرغم خلف وعده مکرر غرب در پرونده برجام، بازگشت به غرب را در سیاست خارجی مفیدتر دانسته و قائلند که امکان همکاری متقابل در این عرصه بیشتر است. در واقع جناح اصلاح‌طلب علیرغم تحریم‌های ظالمانه آمریکا علیه ایران و خلف وعده کشورهای اروپایی در عمل به تعهدات‌شان طبق برجام،

سیاست خارجی ایران را در رابطه با شرق تعریف نمی‌کنند و خواهان عادی‌سازی روابط با غرب هستند. اصلاح‌طلبان همواره نگاه بدبینانه خود را درباره روسیه و برقراری روابط با ایران به افکار عمومی از طریق رسانه‌ها القا می‌کنند و در این خصوص به حافظه تاریخی منفی ایرانیان از روسیه اشاره می‌کنند اما از عملکرد منفی معاصر غرب علیه ایران به راحتی عبور می‌کنند. چنانچه برخی از مقوله‌های اصلی این تحلیل بیانگر تأکید بر همکاری در چارچوب قانون اساسی و مبتنی بر انعقاد قرارداد با روسیه است. شاید اگر رویکرد روزنامه شرق را به رویکرد کلیت جریان اصلاح‌طلبی تعمیم دهیم، می‌توان گفت گزاره‌های کلیدی سیاست خارجی اصلاح‌طلب در خصوص این موضوع مشخص در قالب مفاهیمی چون «عدم اعتماد به روسیه و سیاست‌های آن» و عللی چون اصل منفعت‌طلبی روسیه، خود برتری‌ی روسیه و تلاش برای امتیازگیری از روابط با ایران در راستای تأمین منافع خود تعریف کرد.

روزنامه شرق، بر نقاط مشترک در همکاری با روسیه در سوریه توجه ندارد و همواره اختلافات ایران و روسیه در سوریه را مانند نقش رژیم صهیونیستی در سوریه، بیان می‌کند. بازنمایی روزنامه شرق نشانگر این موضوع است که سیاست خارجی روسیه در سوریه برخلاف ایران که تک‌برداری است، چندبرداری است.

البته فارغ از نگاه روزنامه شرق به همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه، از منظر راهبردی و سیاست‌های کلان در کشور و مبتنی بر مصادیق موجود، اینگونه ارزیابی می‌شود که روابط ایران و روسیه در سال‌های گذشته بدون تردید توسعه یافته و به سمت راهبردی شدن حرکت کرده است. این روابط چند ویژگی بارز یافته‌اند، از جمله مهمترین آن چندوجهی شدن و تنوع روابط ایران و روسیه است. چنانچه علاوه بر همکاری در زمینه‌های نظامی، امنیتی و سیاسی شاهد تمایل دو طرف برای همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی نیز هستیم. بارزترین نمونه همکاری ایران و روسیه، همکاری دو کشور در بحران سوریه و حمایت از نظام سیاسی سوریه و مذاکرات آستانه است که به‌عنوان نقطه عطفی در روابط منطقه‌ای ایران و روسیه به‌شمار می‌رود. همگرایی راهبردی دو کشور در سوریه هم‌راستا با تقویت، تأمین و حفظ منافع ایران در منطقه است. ایران در روابط و مناسبات با کشور روسیه در خصوص مسائل منطقه‌ای از جمله بحران سوریه و همچنین مسائل بین‌المللی دیدگاه مستقل خود را دارد.

۸. پیشنهادهای رسانه‌ای

از آنجایی که رسانه‌های برون‌مرزی ایران، نقش مهمی در رابطه با انعکاس همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه دارند، پیشنهادهای زیر برای بهره‌گیری در رادیوها و تلویزیون‌های برون‌مرزی صداوسیما ارائه می‌شود:

- پیوند همکاری ایران و روسیه در سوریه با منافع ملی سوریه؛
- تقویت خبررسانی در عرصه همکاری ایران و روسیه در بحران سوریه با تمرکز بر اهداف ملی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛
- تشریح روابط دیرینه ایران با سوریه و تقویت آن بعد از انقلاب اسلامی ایران؛
- آگاهی‌بخشی صحیح در خصوص ابعاد مختلف فعالیت ایران در سوریه؛
- برجسته‌سازی تمایل دولت قانونی سوریه به همکاری با ایران در حوزه‌های مختلف اقتصادی و فرهنگی؛
- استمرار خودداری از کاربست کلمات با بار منفی در خصوص همکاری ایران و روسیه؛
- تقویت تعامل و تبادل رسانه‌ای با رسانه‌های روسیه برای پرداخت رسانه‌ای در خصوص تحولات سوریه؛
- بررسی و تبیین نیاز روسیه به ایران برای پیشبرد اهداف مسکو در سوریه؛ نمایش توانمندی‌های ایران و همچنین روسیه برای بازسازی سوریه بدون نیاز به آمریکا یا عربستان سعودی.

۹. ارائه پیشنهاد برای تحقیقات آتی

- بازنمایی همکاری ایران و روسیه در رسانه‌های روسی؛
- بازنمایی رسانه‌ای تحولات روند مذاکرات آستانه با حضور ایران، روسیه و ترکیه؛
- بازنمایی رسانه‌ای اختلافات ایران با ترکیه در بحران سوریه در رسانه‌های ترکیه و ایران.



منابع و مأخذ

- بشیر، حسن و علی‌اصغر کرم‌فر (۱۳۹۳)، «بازنمایی رسانه‌های بحران سوریه در وبسایت‌های بی.بی.سی. عربی، العربیه و العالم»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۳۸، صص ۱۲۲-۱۰۵.
- زهره‌وند، علی (۱۳۹۲)، «بازنمایی بحران سوریه توسط همشهری آنلاین طی دو دوره ۶ ماهه از آغاز بحران در سال ۱۳۹۰»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: **دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز**.
- ساعی، منصور (۱۳۸۹)، «بازنمایی ابعاد تاریخی و سیاسی هویت ملی در تلویزیون جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی سریال‌های تلویزیونی تاریخی درجه الف در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران)»، **فصلنامه پژوهش سیاست نظری**، دوره جدید، شماره هفتم، صص ۱۴۲-۱۱۳.
- سلطانی‌فر، محمد و شهناز هاشمی (۱۳۸۲)، **پوشش خبری**، تهران: **انتشارات سیمای شرق**.
- صادقی، سید شمس‌الدین و سمیرا مرادی (۱۳۹۶)، «تحلیل اتحاد ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه»، **فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی**، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۷۰-۱۵۳.
- عزیزی، حمیدرضا و مصطفی نجفی (۱۳۹۷)، «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، سال نهم، شماره ۲، صص ۹۵-۶۷.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، **عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ**، ترجمه: احد عقیلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
- میرزایی، خلیل (۱۳۹۴)، **پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی**، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- نوری‌راد، فاطمه و زهرا حکیمی (۱۳۹۷)، «بازتاب همه‌پرسی کردستان عراق در رسانه‌ها (تحلیل محتوای سایت‌های خبری بی‌بی‌سی، الجزیره، ایرنا و روداو)»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۲۱۵-۱۷۶.
- هیوارد، سوزان (۱۳۸۱)، **مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی**، ترجمه: فتح محمدی، تهران: هزاره سوم.
- وبگاه روزنامه شرق (۱۳۹۹)، **روزنامه شرق**، قابل دسترس در:

<http://sharghdaily.com/fa/main/page>

- Bardin, L (1989), **Lanalyse de Contenu**, P.U.F. Paris.
- Branston, G and Stafford, R (2003), **The Media student's book**, Branstone press.
- Borshchevskaya, A (2018), "Russia's Goals Go beyond Damascus", **middle east quarterly**, Available at: <http://www.washingtoninstitute.org/uploads/Documents/opeds/Borshchevska ya20171204-MiddleEastQuarterly-MEQ.pdf>.
- Cavanagh, S (1997), "content analysis: concepts, Methods and applications", **Nurse Researcher**, Vol 4, pp, 5-13.

- Graneheim, U.H. & Lundman, B. (2004), "Qualitative Content Analysis in nursing research: Concepts, Procedures and Measures to achieve trustworthiness", **Nurss Edu Today**: Vol 24, pp. 12-105.
- Geranmayeh, E; Liik, K (2016), The New Power Couple: Russia and Iran in the Middle East, **European Council on Foreign Relations**, Available at: http://www.ecfr.eu/page//ECFR_186.
- Hall, S (1997), **Cultural Representation and Signifying Practice**, London: Sage Publications.
- Hsiu-fang, Hsieh & Sara E. shannon (2005), **the approaches to content analysis Qualitative health research**, Vol.15, No 9.
- Kozhanov, N (2016), "Marriage of Convenience: Prospects for Russian-Iranian Regional Cooperation", **Russia in Global Affairs**, Available on: <http://eng.globalaffairs.ru/number/Marriage-of-Convenience-18245>.
- Kondracki, N.L., & Wellman, N.S (2002),"content Analysis: Review of Methods and their applications in nutrition education", **Journal of Nutrition Education and Behavior**, Vol 34, pp. 224-230.
- Mansingh, S (2005), "India and the U.S: A Closer Strategic Relationship?" **Economic and Political Weekly**, VOL 40, NO 22, pp: 320-322.
- Neuendorf, Kimberly A (2002), **The Content Analysis Guidebook**. Thousand Oaks: CA: Sage Publications.
- Sazhin, V (2018), "Strategic partnership between Russia and Iran at a new phase what can the two countries offer each other?" Available at: <http://russianc.uncil.ru/inner/?id>.
- Watson, J and Hill, A (2006), **A Dictionary of Communication and Media of Dictionary Studies Communication**, Publication Arnold Hodder, Edition 7.
- Wilkinson, D. & Brimingham, P (2003), **Using Research Instruments: A Guide for Researchers**. London: Routledge.
- Zhang, Y (2006), **Content analysis (qualitative, thematic)**, Available at: [http://www.ils.unc.edu/yanz/content 20%analysis pdf](http://www.ils.unc.edu/yanz/content%20analysis.pdf).